

تحلیل مقایسه‌ای رفتار کشاورزان در نحوه هزینه‌کرد تسهیلات بانکی کشاورزی

(مطالعه موردی: شهرستان خوی، آذربایجان غربی)

حجت ورمزیاری^{۱*} - خلیل کلانتری^۲ - حسین شعبانعلی فمی^۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۲۱

چکیده

هرچند کشاورزان همیشه به طور جدی برای تأمین سرمایه خود، به بانک‌ها متکی بوده‌اند، ولی موضوع مهمتر که کمتر مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است، بررسی نحوه هزینه‌کرد این اعتبارات توسط کشاورزان و تبیین بایدها و نبایدهای آن است. پژوهش حاضر، در پی بررسی نحوه هزینه‌کرد این تسهیلات توسط کشاورزان با ویژگی‌های مختلف فردی، اجتماعی و اقتصادی و تبیین متغیرهای متمایزکننده بهره‌برداران در این رابطه است. نمونه تحقیق (۱۲۰ نفر) از بین جامعه آماری (۴۵۹۲ نفر) کشاورزان شهرستان خوی در آذربایجان غربی که در بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ حداقل یک بار وام کشاورزی اخذ نموده‌اند، بوده که با استفاده از روش طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. نتایج مطالعه نشان داد که کشاورزان در زمینه میزان استفاده از وام در بخش کشاورزی، با توجه به متغیرهای نوع وام کشاورزی، استفاده از بیمه محصولات کشاورزی، دفعات نظارت پس از اعطای وام، حجم وام و سطح تسهیلات با یکدیگر متفاوت بوده‌اند.

طبقه‌بندی JEL: Q14

واژه‌های کلیدی: انحراف وام‌های کشاورزی، هزینه‌کرد، نظارت کارشناسان، بیمه محصولات کشاورزی

مقدمه

ندارند، چرا که دارای وثیقه لازم نبوده و هزینه‌های نظارت بر فعالیت‌های فقیران و اجرای قراردادهای آنان، بسیار بالا است (۱۲). در ایتالیا نیز، دسترسی مشتریان با درآمد پایین و نیز بنگاه‌های خرد، به بانک‌ها برای تأمین نیازهای مالی خود کماکان محدود است. دستیابی این مشتریان (قرض‌گیرندگان حاشیه‌ای) به اعتبارات، چالش مشترک و عمومی بوده و البته در جوامع در حال توسعه، شدت آن بیشتر است. این مشتریان، اغلب به عنوان مشتریان «حاشیه‌ای» تعریف می‌شوند که معمولاً مشکلات خاص ارزشیابی و نظارت بر ریسک اعتبارات را با خود دارند (۱۱).

البته چالش اساسی دیگری که در زمینه اعتبارات کشاورزی کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است، بررسی نحوه هزینه‌کرد این اعتبارات توسط کشاورزان و تبیین بایدها و نبایدهای آن است. زیرا شواهد حاکی از آن است که با وجود تخصیص سرمایه‌های فراوان در قالب تسهیلات بانکی به بخش کشاورزی، بخش قابل توجهی از کشاورزانی که وام کشاورزی دریافت می‌کنند، آن را در زمینه‌های غیرکشاورزی از قبیل تأمین نیازهای مصرفی و معیشتی، مرمت و احداث ساختمان، پرداخت دیون و بدهی‌های قبلی، مسافرت،

عدم دسترسی به خدمات مالی بیرونی، یکی از دلایل فقیر ماندن بسیاری از مردم در اقتصادهای در حال توسعه است (۱۲). یکی از مهمترین و معمول‌ترین اشکال این خدمات، اعطای اعتبارات است. اعتبارات، برای توسعه ضروری بوده و سرمایه مورد نیاز کشاورزان و کارآفرینان، برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و یا پذیرش فناوری‌های نوین را فراهم می‌سازند. اعتبارات کشاورزی یکی از انواع اعتبارات هدایت شده است که با هدف گسترش و رشد تولیدات کشاورزی به افراد اعطا می‌شوند (۱۴). ولی با وجود این، بیشتر برنامه‌های اعتباری، تنها درصد کمی از جمعیت کشاورزان را شامل شده و اغلب منافع، در بین کشاورزان ثروتمندتر متمرکز شده است (۱۳) و معمولاً افراد فقیر به وام‌هایی که از سوی نظام بانکی رسمی اعطا می‌شوند دستیابی

۱، ۲ و ۳- به ترتیب دانشجوی دکتری و دانشیاران گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

(Email: varmazari@ut.ac.ir

*)-نویسنده مسئول:

توسط روستاییان، ۷۴ درصد وام‌های دریافتی از بانک کشاورزی، صرف امور تولیدی و کشاورزی گردیده و بقیه در جهت خرید مسکن و سایر نیازهای زندگی مصرف شده است. در حالی که وام‌های دریافتی از سایر بانک‌ها، عمدتاً در جهت خرید مسکن و تأمین معاش صرف شده و کمتر به سمت کشاورزی و دامداری سوق یافته است. همچنین مطالعه موردی که در روستاهای حوضه آبریز رودخانه خرابود انجام شد، به این نتیجه رسید که ۷۶ درصد وام‌های دریافتی کشاورزی در بخش جاری، در مواردی غیر از هدف اولیه مصرف شده‌اند که غالباً صرف هزینه‌های مصرف زندگی (غیر کشاورزی) یا بازپرداخت وام‌های دیگر شده‌اند. خرید موتورسیکلت، ماشین کهنه یا پس‌انداز در بانک مسکن برای دریافت وام مسکن، از موارد دیگر مصرف این وام‌ها بوده‌اند (۳). طبق یافته‌های کریم‌کشته و همکاران (۱۰)، زارعان اعتبارات دریافتی از منابع رسمی را بیشتر در راستای تولید به کار گرفته‌اند، به طوری که حدود ۶۴ درصد نمونه‌های مورد بررسی آنها، از وام در امر تولیدات کشاورزی، ۱۸/۵ درصد در جهت مصارف روزمره خانوار و ۱۷/۵ درصد در تعمیرات ساختمان و نیز تأسیسات کشاورزی استفاده نموده‌اند. ولی زارعانی که از منابع غیررسمی وام دریافت نموده‌اند، بیشتر مبالغ اخذ شده را به مصرف نیازهای روزمره و سایر نیازهای خود رسانیده‌اند. مطالعات بوردا نیز بیانگر آن است که فقط ۱۰ درصد از هزینه زندگی دهقانان متعلق به امور کشاورزی بوده و بقیه به امور مصرفی اختصاص یافته است (۲).

به‌طور کلی، اقشار بسیار فقیر، توانایی اندکی برای ریسک‌پذیری و استفاده از اعتبارات برای افزایش درآمد خود و بازپرداخت به‌موقع آن دارند. مطالعات صدر (۸) بیانگر آن است که تأثیر اعتبارات سرمایه‌ای بانک کشاورزی، بیش از تأثیر اعتبارات جاری تخصیص یافته توسط بانک مذکور به بخش کشاورزی، در رابطه با افزایش تولید، بوده است. بنابراین وی، اعطای تسهیلات بلندمدت توسط بانک را مورد تأکید قرار داده و پیشنهاد می‌کند که نسبت تسهیلات سرمایه‌ای به جاری بانک، افزایش یابد. باقری و نجفی (۴) نیز یکی از موارد هزینه‌کرد وام‌های جاری دریافتی از بانک کشاورزی را تخصیص آن به مصارف روزمره زندگی و مخارج خانوار ذکر نموده‌اند. نتایج این مطالعه در استان فارس نشان داد، نوع فعالیتی که توسط وام انجام می‌شود، تأثیر منفی در سطح ۵ درصد بر احتمال عدم بازپرداخت وام دارد. به عبارت دیگر، زارعانی که وام‌های سرمایه‌ای گرفته و آن را صرف فعالیت‌های درآمدزا نموده‌اند، در بازپرداخت وام موفقیت بیشتری داشته‌اند. از سوی دیگر وام‌های جاری که برای تأمین هزینه‌های جاری پرداخت شده‌اند، توانایی بازپرداخت وام‌گیرندگان را کاهش داده‌اند. کثرت خریداران یا دسترسی بهتر به بازار فروش، عامل دیگری بوده است که در سطح ۵ درصد بر بازپرداخت اعتبارات اثر مثبتی گذارده است. سطح زیرکشت محصولات نیز تأثیر مثبت در سطح ۱۰ درصد، بر بازپرداخت اعتبارات داشته است. یک هکتار افزایش سطح زیرکشت، احتمال عدم

فعالیت‌های اقتصادی غیر کشاورزی و... به مصرف می‌رسانند. در واقع، مؤسسات تأمین مالی خرد، در برخی از کشورها با مشکل استفاده غیرمؤثر از وام‌ها، مواجه هستند. قرض‌گیرندگان به جای استفاده از وام‌ها در فعالیت‌های تولیدی، برای اهداف دیگری از قبیل بازپرداخت بدهی‌های خود یا پرداخت آن به عنوان وام به شخص ثالث استفاده می‌کنند (۱ و ۱۵). این امر که به پدیده «مخاطرات اخلاقی»^۱ معروف است، در اثر قابلیت جابجایی و تبدیل‌پذیری اعتبارات اتفاق می‌افتد، چرا که وام‌ها معمولاً به صورت نقدی هستند. در حقیقت مخاطرات اخلاقی زمانی در بازارهای اعتبارات پدید می‌آیند که قرض‌کننده به انجام فعالیت‌هایی که از نظر وام دهنده نامطلوب به نظر می‌رسد، سوق یابد. چنانچه قرض‌کننده، انگیزه‌های کافی برای مدیریت منابع سرمایه به منظور دستیابی به اهداف خاص، تا حد ممکن نداشته باشد، یا احتمالاً هدفی را که وام برای آن اعطا شده است را تغییر دهد، این روند ممکن است در نهایت به افزایش ریسک در توانایی قرض‌کننده برای بازپرداخت وام بینجامد. این حالات به ترتیب، مخاطرات اخلاقی «گزینه تلاش و فعالیت» و «گزینه هدف» نامیده می‌شوند (۱۶).

البته مرتفع نمودن نیازهای معیشتی و رفاهی، به خودی خود، امر ناپسندی تلقی نمی‌گردد، ولی مشکل اصلی آن است که سرمایه‌ای که با هدف بهبود امنیت غذایی، اشتغال‌زایی روستایی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها و در نهایت تحقق توسعه پایدار روستایی در اختیار بهره‌برداران قرار می‌گیرد، عملاً صرف امور غیر کشاورزی و غیرمولد شده و بعضاً فاقد نقش درآمدزایی و حتی مخرب است. از این رو برخی اعتقاد دارند که پروژه‌های توسعه روستایی در دهه‌های گذشته منجر به وخیم‌تر شدن وضعیت اقشار محروم و آسیب‌پذیر و افزایش فقر و وابستگی آنان شده‌اند (۵).

همان‌طور که ذکر شد، به دلیل ادبیات تجربی اندک مرتبط با موضوع تحقیق و نیز نظر به ارتباط نحوه مصرف وام و قصور در بازپرداخت آن، پژوهش حاضر به منظور تبیین و تشریح بیشتر موضوع، علاوه بر نحوه کاربرد اعتبارات، به مطالعه ادبیات مرتبط با قصور وام نیز پرداخته است. به طور کلی خروج سرمایه از بخش کشاورزی ایران به زمان نظام ارباب رعیتی مربوط است. بزرگ مالکان در بیرون از محیط روستا و در شهر زندگی می‌کردند و اراضی تحت تملک خود را از طریق مباشران و در قالب نظام اجاره‌داری سنتی اداره می‌نمودند. این مالکان غالباً دارای فعالیت‌های اقتصادی دیگری بودند و کشاورزی برایشان اهمیت ثانوی داشت (۹). یافته‌های مطالعه‌ای که توسط رشیدی و منصور (۶) در قالب طرح پژوهشی مؤسسه بین‌المللی توسعه خدمات مالی خرد روستا، در روستاهای مناطق محروم استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و کردستان انجام شد، حاکی از آن است که از نظر نحوه مصرف وام

نیز بخش‌های مربوط به بررسی نحوه بازاریابی محصولات کشاورزی، ویژگی‌های مختلف مربوط به وام، شرایط اخذ وام، منابع تأمین سرمایه مورد نیاز فعالیت کشاورزی و... بود. اعتبار محتوایی با نظرخواهی از اساتید، متخصصین و انجام پیش‌آزمون از روستاییان (با استفاده از پرسشنامه اولیه، پیش از انجام مصاحبه با ۳۰ نفر برای تخمین حجم نمونه) بررسی شده و اصلاحات لازم اعمال شد. به منظور تعیین پایایی مقیاس‌ها (که به صورت طیف لیکرت پنج‌سطحی طراحی شده بود) از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای مقیاس نگرش بهره‌بردار نسبت به کشاورزی (شامل ۸ گویه)، ۰/۷۰، مقیاس وضعیت اقتصادی کشاورز (شامل ۵ گویه)، ۰/۷۱ و مقیاس میزان دسترسی کشاورز به عوامل تولید (شامل ۶ گویه)، ۰/۸۴ بود. نمونه مورد مطالعه از بین جامعه آماری (با حجم ۴۵۹۲ نفر) شامل کشاورزان شهرستان خوی بود که در بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ حداقل یک بار وام کشاورزی اخذ نموده‌اند، انتخاب گردید. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۱۲۰ نفر برآورد شد که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب (بر مبنای چهار بخش شهرستان) انتخاب گردیده و به طور کلی ۲۶ روستا مورد مطالعه قرار گرفت. داده‌های موردنیاز از طریق پرسشنامه گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج و بحث

بر اساس اطلاعات میدانی گردآوری شده، فاصله نزدیکترین روستا تا مرکز شهرستان ۵ کیلومتر و فاصله دورترین روستا تا مرکز شهرستان، ۷۰ کیلومتر بود و روستاهای مورد مطالعه، به طور متوسط ۲۳/۵ کیلومتر تا مرکز شهرستان فاصله داشتند. روستاهای با فاصله پایین‌تر از میانگین، در حدود ۶۵ درصد از روستاهای مورد مطالعه را به خود اختصاص دادند که ناشی از تأثیر نزدیکی روستاها به مرکز شهرستان، بر میزان اخذ وام می‌باشد. روستاهای با فاصله ۱۹ تا ۳۱ کیلومتر، دارای کمترین سهم، ۶/۷ درصد، و روستاهای با فاصله ۵ تا ۱۸ کیلومتری، دارای بیشترین سهم، ۶۳/۳ درصد، از کل نمونه بودند. روستاهای با فاصله ۳۲ تا ۴۴ کیلومتر، ۵۸ تا ۷۰ کیلومتر و ۴۵ تا ۵۷ کیلومتر از شهر خوی، با اختصاص سهم ۱۴/۲ درصدی، ۸/۳ درصدی و ۷/۵ درصدی به خود، به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. همه افراد مورد مطالعه، متأهل و سرپرست خانوار بودند. همچنین از نظر جنس همه کشاورزان، بجز یک نفر، مرد بود. طبق نتایج، بیشتر کشاورزان مورد مطالعه را افراد میانسال، ۳۰ تا ۵۴ ساله، تشکیل داده‌اند که در حدود ۷۳/۳ درصد پاسخگویان را شامل شده‌اند. سهم گروه سنی مسن، در حدود ۲۱ درصد بود که این میزان، ۳/۶ برابر گروه سنی جوان می‌باشد که حکایت از سالخوردگی نسبی نمونه مورد

بازپرداخت وام را به میزان ۲/۰۵ درصد کاهش داده است. نسبت درآمد مزرعه‌ای به درآمد کل نیز، تأثیر منفی در سطح یک درصد، بر نرخ عدم بازپرداخت اعتبارات داشته است. بر همین اساس، تأثیر منفی درآمد مزرعه‌ای و خارج از مزرعه بر عدم بازپرداخت اعتبارات، در سطح ۵ درصد به تأیید رسید. سطح تحصیلات نیز تأثیر منفی در سطح ۵ درصد، بر نرخ عدم بازپرداخت اعتبارات داشته است به گونه‌ای که اثر نهایی افزایش یک کلاس به سطح سواد، ۱/۰۲ درصد کاهش در احتمال عدم بازپرداخت اعتبارات است. میزان پس‌انداز فرد، عامل دیگری است که بر عدم بازپرداخت اعتبارات، تأثیر منفی در سطح یک درصد داشت. با افزایش یک واحد در میزان پس‌انداز، احتمال عدم بازپرداخت، ۰/۱۷ درصد کاهش می‌یافت. همچنین، نظارت و سرپرستی کارشناسان بانک بر مصرف وام، تأثیر منفی در سطح ۵ درصد، بر احتمال عدم بازپرداخت وام داشت. زیبایی (۷) در یافته‌های پژوهش خود، «عدم آموزش کافی کشاورزان توسط کارشناسان ذی‌ربط» را از جمله عوامل مؤثر در بی‌ثمر شدن طرح‌های سیستم آبیاری تحت فشار که کشاورزان از طریق اخذ وام، اقدام به راه‌اندازی آنها کرده بودند، معرفی کرده است.

پژوهش حاضر در واقع، نگاهی از درون به مقوله استفاده کشاورزان از وام‌های کشاورزی داشته و در پی بررسی نحوه هزینه‌کرد این تسهیلات توسط کشاورزان و تبیین عوامل متمایزکننده بهره‌برداران در این رابطه است. در قالب این هدف کلی، اهداف اختصاصی زیر مد نظر قرار گرفته است: بررسی خصوصیات اقتصادی-اجتماعی کشاورزان استفاده‌کننده از تسهیلات بانکی کشاورزی در شهرستان خوی؛ مطالعه نحوه هزینه‌کرد تسهیلات بانکی کشاورزی توسط کشاورزان در شهرستان خوی؛ مقایسه گروه‌های مختلف کشاورزان مورد مطالعه در زمینه میزان هزینه‌کرد وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی بر حسب متغیرهای مختلف.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف تحقیق کاربردی، از نظر درجه نظارت و کنترل از نوع میدانی و به لحاظ تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع علی-مقایسه‌ای است. متغیر وابسته تحقیق «میزان هزینه‌کرد وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی توسط کشاورزان» است که رفتار کشاورزان در رابطه با آن، بر اساس متغیرهای گروه‌بندی «نوع وام کشاورزی، استفاده از بیمه محصولات کشاورزی، دفعات نظارت پس از اعطای وام، حجم وام و سطح تحصیلات» با یکدیگر مقایسه شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه است که بر اساس مبانی نظری مستخرج از منابع کتابخانه‌ای و تجارب عینی طراحی شد. پرسشنامه، شامل مقیاس‌های میزان دسترسی کشاورز به عوامل تولید، وضعیت اقتصادی کشاورز و نگرش بهره‌برداران نسبت به کشاورزی و

کشاورزان در منطقه مورد مطالعه ۴/۲۶ هکتار می‌باشد. ۵۳/۶ درصد از بهره‌برداران دارای اراضی زیر کشت بین ۲ تا ۴/۹۹ هکتار، ۳۱/۳ درصد دارای اراضی زیر کشت ۵ تا ۹/۹۹ هکتار و تنها ۲/۷ درصد کشاورزان دارای ۱۰ هکتار و بیشتر، بودند.

از سوی دیگر، طبق یافته‌های تحقیق ۸۲/۶ درصد از بهره‌برداران، از بیمه محصولات کشاورزی استفاده نموده و تنها ۱۷/۴ درصد از آنان، هیچ نوع استفاده‌ای از بیمه محصولات کشاورزی نکرده‌اند. با وجود این، ۶۷/۴ درصد کشاورزان، هیچ نوع رضایتی از نتایج بیمه کشاورزی نداشته و ۲۴/۲ درصد آنان نیز رضایت اندکی از نتایج و عملکرد بیمه کشاورزی داشته‌اند. بنابراین ۹۱/۶ درصد کشاورزان مذکور، از عملکرد بیمه کشاورزی ناراضی بوده‌اند. ۲/۱ درصد کشاورزانی نیز که بیمه نموده بودند، اظهار داشته‌اند که هنوز محصولاتشان خسارتی ندیده است که زمینه برای ارزشیابی عملکرد بیمه کشاورزی فراهم شود. به طور کلی، تنها ۳/۲ درصد افراد دارای رضایت مطلوب و به همین اندازه دارای رضایت متوسط بودند و رضایت هیچ یک از افراد، در حد خیلی زیاد نبوده است.

نتایج مربوط به مبالغ وام‌های دریافتی، پس از اعمال ضرایب در مقادیر اولیه وام‌ها با توجه به هزینه‌های سال ۱۳۸۶ و حذف اثر زمانی و یکسان‌سازی میزان اعتبارات، نشان داد که کشاورزان به طور متوسط، ۴/۵۸ میلیون تومان وام کشاورزی دریافت نموده‌اند. ضریب تغییرات این شاخص، ۱/۲۴ محاسبه شد که این میزان، ناشی از وجود تعداد معدودی از داده‌های بسیار کوچک و بسیار بزرگ در کنار یکدیگر می‌باشد. به عنوان نمونه بیشترین مبلغ وام (۳۵/۱ میلیون تومان) مربوط به فردی است که وام خرید کمباین اخذ نموده است. مبالغ وام دریافتی ۸۴/۲ درصد از کشاورزان، ۷/۵ میلیون تومان و کمتر بوده و تنها ۵/۳ درصد از آنان توانسته‌اند وام بیش از ۱۵ میلیون تومان اخذ نمایند (جدول ۲).

مطالعه دارد. چرا که میزان جمعیت سالخورده در بخش‌های خدمات و صنعت کشور، در سال ۱۳۷۵، تنها در حدود ۳/۹ و ۵/۲ درصد بوده است که با توجه به افزایش قشر جوان جمعیت کشور ناشی از نرخ موالید بالای دهه ۶۰، به نظر می‌رسد این میزان در حال حاضر کمتر نیز شده باشد. میانگین سنی نمونه مورد مطالعه نیز ۴۵ سال بود. همچنین طبق یافته‌های تحقیق، کشاورزان مورد مطالعه که اقدام به اخذ وام کشاورزی نموده بودند، از سطح تحصیلات بهتری نسبت به میانگین استانی برخوردار بودند. به طوری که ۴۷/۹ درصد آنان بی‌سواد یا دارای سواد ابتدایی و غیر رسمی بوده‌اند، در حالی که این میزان در بین کل کشاورزان استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۲، ۵۴/۱۴ درصد بوده است. همچنین سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی کشاورزی و غیر کشاورزی، به ترتیب ۲/۵ درصد و ۵/۱ درصد و در مجموع، ۷/۶ درصد بوده است. این در حالی است که مقدار شاخص اخیر برای کل کشاورزان استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۲، ۱/۹۱ درصد بوده است. با وجود بالاتر بودن سطح تحصیلات نمونه مورد مطالعه، به طور کلی سیمای تحصیلات افراد مذکور مطلوب نمی‌باشد. موضوع جالب توجه، دو برابر بودن سهم شاغلان فوق دیپلم به بالاتر غیر کشاورزی نسبت به سهم شاغلان فوق دیپلم به بالاتر کشاورزی می‌باشد. این موضوع در سطح دیپلم پررنگ‌تر است. به طوری که سهم بهره‌برداران دارای دیپلم غیر کشاورزی ۶/۸۸ برابر سهم کشاورزان دارای دیپلم کشاورزی می‌باشد. به طور کلی بهره‌برداران دارای تحصیلات راهنمایی یا سیکل، بیشترین سهم (۳۱/۱ درصد) و کشاورزان دارای مدرک دیپلم کشاورزی و نیز فوق دیپلم کشاورزی (۱/۷ درصد)، به طور همزمان کمترین میزان از کل افراد مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند.

به طور کلی کشاورزانی که سطح زیر کشت آنان کمتر از ۲ هکتار است، جزو قشر خرده‌پا محسوب می‌شوند (۲). بر این مبنای، ۱۲/۵ درصد از کشاورزانی که وام کشاورزی اخذ نموده‌اند، خرده‌پا محسوب می‌شوند. بر اساس اطلاعات جدول (۱)، میانگین اراضی زیر کشت

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سطح اراضی زیر کشت

میزان اراضی زیر کشت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	درصد معتبر
کمتر از ۰/۹۹ هکتار	۵	۴/۲	۴/۵	۴/۵
۱ تا ۱/۹۹ هکتار	۹	۷/۵	۸	۱۲/۵
۲ تا ۴/۹۹ هکتار	۶۰	۵۰	۵۳/۶	۶۶/۱
۵ تا ۹/۹۹ هکتار	۳۵	۲۹/۲	۳۱/۳	۹۷/۳
۱۰ هکتار و بیشتر	۳	۲/۵	۲/۷	۱۰۰
بدون پاسخ	۸	۶/۷	-	-
جمع کل	۱۲۰	۱۰۰	-	-

انحراف معیار: ۲/۶۷ هکتار

حداکثر: ۱۸ هکتار

حداقل: ۰ هکتار

میانگین: ۴/۲۶ هکتار

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان وام اخذ شده، بر اساس قیمت‌های ۱۳۸۶

میزان وام	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۰ تا ۷/۵ میلیون تومان	۹۶	۸۰	۸۴/۲	۸۴/۲
۷/۵ تا ۱۵ میلیون تومان	۱۲	۱۰	۱۰/۵	۹۴/۷
۱۵/۱ تا ۲۲/۵ میلیون	۲	۱/۷	۱/۸	۹۶/۵
۲۲/۵ تا ۳۰ میلیون	۳	۲/۵	۲/۶	۹۹/۱
۳۰/۱ تا ۳۷/۵ میلیون	۱	۰/۸	۰/۹	۱۰۰
بدون پاسخ	۶	۵	-	-
مجموع	۱۲۰	۱۰۰	۱۰۰	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق
حداقل: ۰/۱۸ میلیون تومان حداکثر: ۳۵/۱ میلیون تومان میانگین: ۴/۵۸ میلیون تومان انحراف معیار: ۵/۶۷

بررسی نوع وام‌های کشاورزی اخذ شده نشان داد که بیشتر وام‌های کشاورزی اخذ شده (۶۲/۵ درصد)، از نوع وام خرید نهاده‌های کشاورزی بودند که جزو وام‌های جاری (که قابلیت جابجایی بالایی دارند) محسوب گردیده و معمولاً مقادیر آنها از مقادیر وام‌های سرمایه‌ای، کمتر است. ۱۶/۷ درصد وام خرید دام، ۷/۵ درصد وام خرید ماشین‌آلات کشاورزی، ۶/۷ درصد وام ساخت جایگاه دامی، ۲/۵ درصد وام احداث باغ و کشت بادام، ۱/۷ درصد وام خوداشتغالی، ۱/۷ درصد وام زنبورداری و ۰/۸ درصد وام خشکسالی بوده است (جدول ۳).

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع وام کشاورزی اخذ شده

نوع وام کشاورزی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خرید نهاده‌های کشاورزی (جاری)	۷۵	۶۲/۵	۶۲/۵
خرید دام	۲۰	۱۶/۷	۷۹/۲
خرید ماشین‌آلات کشاورزی	۹	۷/۵	۸۶/۷
ساخت جایگاه دامی	۸	۶/۷	۹۳/۳
احداث باغ و کشت بادام	۳	۲/۵	۹۵/۸
زنبورداری	۲	۱/۷	۹۷/۵
خود اشتغالی	۲	۱/۷	۹۹/۲
خشکسالی	۱	۰/۸	۱۰۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان مصرف وام کشاورزی در امر تولید

فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱۸	۱۵	۱۸/۴	۱۸/۴
۱۱	۹/۲	۱۱/۲	۲۹/۶
۴	۳/۳	۴/۱	۳۳/۷
۵	۴/۲	۵/۱	۳۸/۸
۲۳	۱۹/۲	۲۳/۵	۶۲/۲
۳۷	۳۰/۸	۳۷/۸	۱۰۰
۲۲	۱۸/۳	-	-
۱۲۰	۱۰۰	۱۰۰	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در رابطه با نحوه استفاده از وام کشاورزی، ۱۸/۴ درصد از کشاورزانی که اقدام به اخذ تسهیلات بانکی کشاورزی نموده‌اند، اظهار داشته‌اند که تمامی مبالغ اخذ شده را به مصارف غیر کشاورزی تخصیص داده و به شدت دچار مخاطرات اخلاقی گردیده‌اند و تنها ۳۷/۸ درصد از آنان، وام را به طور کامل در مسیر کشاورزی هدایت کرده‌اند. همچنین ۱۵/۳ درصد کشاورزان مذکور، به میزان کم و خیلی کم، وام‌های خود را در امر کشاورزی سرمایه‌گذاری نموده و ۲۸/۶ درصد از کل افراد مورد مطالعه نیز اظهار داشته‌اند که بخش عمده وام را به کشاورزی اختصاص داده‌اند (جدول ۴). البته به نظر می‌رسد به دلیل حساسیت موضوع تحقیق و محافظه‌کاری کشاورزانی که دچار مخاطرات اخلاقی شدیدی شده بودند و خودداری آنان از پاسخگویی و مشارکت در تحقیق، میزان خروج وام از فعالیت‌های کشاورزی بیش از این باشد.

۲- نوع وام کشاورزی (۱)

وام‌های کشاورزی به دو شکل جاری یا سرمایه‌ای (خاص) به کشاورزان پرداخت شده‌اند. منظور از وام‌های جاری وام‌هایی هستند که برای تأمین قسمتی از نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز بهره‌برداران داده می‌شوند و مدت بازپرداخت آنها، یک دوره تولید (حداکثر ۱۲ ماه) می‌باشد. در صورتی که وام‌های سرمایه‌ای تسهیلاتی هستند که معمولاً برای افزایش ظرفیت تولید اعطا شده و مبالغ بیشتری داشته و مدت بازپرداخت طولانی‌تری نیز دارند. نتایج آزمون مقایسه میانگین t حاکی از آن است تفاوت معنی‌داری در سطح یک درصد، بین کشاورزانی که از تسهیلات کشاورزی جاری استفاده نموده‌اند با بهره‌بردارانی که تسهیلات سرمایه‌ای اخذ نموده‌اند، در رابطه با میزان استفاده از وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی وجود داشته است. به طوری که وام‌های جاری بیشتر از وام‌های سرمایه‌ای دچار مخاطرات اخلاقی گردیده‌اند (جدول ۵).

۳- نوع وام کشاورزی (۲)

از سوی دیگر، تسهیلات بانکی کشاورزی در قالب «وام‌های زیربنایی و جنسی» و «وام‌های غیرزیربنایی و نقدی» در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرند. منظور از وام‌های گروه اول، اعتباراتی هست که برای خرید یا ایجاد سرمایه‌های ثابت از قبیل احداث جایگاه دامداری، احداث و کاشت باغ و زهکشی زمین اعطا شده و یا به صورت جنسی مانند ماشین‌آلات کشاورزی به بهره‌بردار داده می‌شوند. در مقابل، وام‌های نوع دوم، تسهیلاتی هستند که برای تأمین مالی کشاورز، در رابطه با خریداری کالاهای واسطه‌های مانند دام یا کندوی زنبور عسل و یا خرید نهاده‌های تولید از قبیل علوفه، کود، سم ... به صورت نقدی به حساب وی واریز می‌شوند.

به منظور بررسی تفاوت میانگین بین دو گروه مذکور از وام‌های کشاورزی، در رابطه با میزان مصرف در بخش کشاورزی از آزمون t استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده، وام‌های زیربنایی و جنسی، در سطح معنی‌داری یک درصد، بیش از وام‌های غیرزیربنایی و نقدی، در مسیر تولید کشاورزی هدایت شده‌اند (جدول ۵). این امر به میزان عمده‌ای می‌تواند ناشی از قابلیت جابجایی وام‌های نقدی باشد.

۴- دفعات نظارت بر هزینه‌کرد وام توسط کارشناسان بانک

میزان نظارت وام‌دهنده بر نحوه مصرف وام توسط وام‌گیرنده، به میزان زیادی می‌تواند از تخلف‌های احتمالی جلوگیری نماید.

به طور کلی بررسی‌ها نشان داد، مبلغ ۳۰۴/۴۹ میلیون تومان وام (به قیمت سال ۱۳۸۶) توسط ۹۸ نفر بهره‌بردار، در بخش کشاورزی مصرف گردیده است که متوسط این مبلغ بازای هر نفر، ۳/۱۱ میلیون تومان بوده است. در ادامه مطالعه، میزان نظارت بر نحوه مصرف وام، بعد از اعطای آن تعیین گردید. به طور کلی، ۷۱/۲ درصد از کشاورزانی که موفق به اخذ وام کشاورزی شده بودند، اظهار داشتند که هیچ نوع نظارت بعدی در مورد نحوه استفاده از وام کشاورزی، از سوی بانک صورت نپذیرفته است.

۹/۶ درصد از وام‌ها فقط یک بار، ۱۶/۳ درصد از وام‌ها یک تا سه بار، ۱/۹ درصد از آنها سه تا هفت بار و ۱ درصد وام‌ها (یک مورد) ۷ تا ۱۰ بار مشمول نظارت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در مجموع، هر وام به طور متوسط حتی یک بار نیز تحت نظارت قرار نگرفته است. میزان بالای ضریب تغییرات این متغیر (۲/۰۷) ناشی از یک مورد وام زنبورداری است که تعداد دفعات نظارت صورت گرفته بر روی آن، ۱۰ بار بوده است. البته از آنجایی که معمولاً وام‌های کشاورزی که با هدف تحقق طرح یا خرید کالاهای سرمایه‌ای خاصی مانند خرید گاو شیری و ... اعطا می‌شوند، بیشتر مشمول نظارت قرار می‌گیرند، از این رو با هدف ارایه تصویر واقعی‌تر از میزان نظارت‌های ضروری، در ادامه مطالعه، تنها وام‌های مذکور وارد تجزیه و تحلیل شدند. نتایج حاکی از آن است که هیچ نوع نظارتی بر نحوه استفاده از ۲۶/۵ درصد از وام‌های کشاورزی خاص صورت نگرفته است. ۲۰/۶ درصد از وام‌ها فقط یک بار، ۴۴/۱ درصد از وام‌ها یک تا سه بار، ۵/۹ درصد از آنها سه تا هفت بار و ۲/۹ درصد وام‌ها (یک مورد)، ۷ تا ۱۰ بار مشمول نظارت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. همچنین هر یک از وام‌ها به طور متوسط نزدیک به ۲ بار تحت نظارت واقع شده‌اند. بنابراین عملاً نظارت بر نحوه هزینه‌کرد وام‌های دریافتی، بسیار اندک بوده است.

متغیرهای متمایزکننده کشاورزان در زمینه میزان هزینه‌کرد وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی

۱- استفاده یا عدم استفاده از بیمه محصولات کشاورزی

نتایج آزمون مقایسه میانگین t نشان داد، بین کشاورزانی که از بیمه محصولات کشاورزی استفاده کرده‌اند و بهره‌بردارانی که از آن استفاده نکرده‌اند، از نظر میانگین استفاده از وام کشاورزی در بخش کشاورزی، تفاوت معنی‌دار در سطح یک درصد وجود دارد. به عبارت دیگر، کشاورزانی که از بیمه کشاورزی استفاده کرده‌اند، به طور معنی‌داری، بیش از گروه دوم، وام دریافتی را در فعالیت‌های تولیدی بخش کشاورزی مصرف نموده‌اند (جدول ۵).

جدول ۵- مقایسه میزان استفاده پاسخگویان مورد مطالعه از وام کشاورزی در بخش کشاورزی، بر اساس متغیرهای گروه‌بندی مختلف

متغیر وابسته	متغیر گروه‌بندی	گروه‌ها	میانگین (نمره)	انحراف معیار	t	سطح معنی‌داری
میزان استفاده از وام کشاورزی، در بخش کشاورزی	نوع وام کشاورزی (جاری یا سرمایه‌ای)	استفاده	۳/۶۷	۵/۷۴	۳/۶۴**	۰/۰۰۰
		عدم استفاده	۰/۹۷	۱/۴۵		
میزان استفاده از وام کشاورزی، در بخش کشاورزی	نوع وام کشاورزی (زیربنایی و جنسی یا غیرزیربنایی و نقدی)	جاری	۱/۲۳	۱/۱۷	۵/۵۰**	۰/۰۰۰
		سرمایه‌ای(خاص)	۶/۰۸	۶/۸۸		
		زیربنایی و یا جنسی	۷/۸۹	۸/۱۲		
		غیر زیربنایی و نقدی	۲/۰۳	۳/۵۱	۲/۹۹**	۰/۰۰۱

* معنی‌داری در سطح پنج درصد

** معنی‌داری در سطح یک درصد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مخاطرات اخلاقی شده‌اند (جدول ۷).

۶- سطح تحصيلات

سطح تحصيلات بهره‌برداران نیز از جمله متغیرهایی است که می‌تواند در تعیین نوع رفتار کشاورزان در رابطه با نحوه هزینه‌کرد وام کشاورزی مؤثر باشد. به این منظور ابتدا بهره‌برداران بر پایه متغیر مذکور به سه گروه طبقه‌بندی شدند. طبق نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، از نظر میزان هزینه‌کرد وام کشاورزی در بخش کشاورزی، حداقل بین دو گروه، تفاوت معنی‌داری در سطح ۵ درصد وجود داشت.

همان‌طور که نتایج آزمون توکی نشان می‌دهد، کشاورزانی که دارای تحصيلات دانشگاهی بوده‌اند، در سطح معنی‌داری ۵ درصد، بیش از کشاورزان بیسواد و یا دارای سواد ابتدایی، از وام‌های اخذ شده، در بخش کشاورزی استفاده نموده‌اند. همچنین توجه به میانگین سه گروه نشان‌دهنده آن است که با کاهش سطح تحصيلات، میزان مخاطرات اخلاقی استفاده از وام نیز افزایش یافته است. البته بر اساس نتایج آزمون دانکن، کشاورزانی که تحصيلات دانشگاهی داشته‌اند، به طور معنی‌داری از هر دو گروه دیگر دارای مخاطرات اخلاقی کمتری بوده‌اند (جدول ۸).

به منظور بررسی تفاوت در نحوه هزینه‌کرد وام کشاورزی، بر اساس تعداد نظارت صورت گرفته از سوی کارشناسان بانک، ابتدا بهره‌برداران بر پایه متغیر مذکور به سه گروه طبقه‌بندی شدند. بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، از نظر میزان هزینه‌کرد در بخش کشاورزی، حداقل بین دو گروه، تفاوت معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود داشت. نتایج آزمون توکی نشان داد، وام‌هایی که به میزان یک تا ۷ دفعه، پس از اعطا تحت نظارت قرار گرفته‌اند، در سطح خطای ۱ درصد، بیش از وام‌هایی که اصلاً مورد نظارت واقع نشده‌اند، در امر فعالیت‌های کشاورزی مصرف شده‌اند (جدول ۶).

۵- گروه‌های مختلف حجم وام

به منظور بررسی تفاوت در نحوه هزینه‌کرد وام کشاورزی، بر اساس حجم وام اعطا شده، ابتدا بهره‌برداران بر پایه متغیر مذکور به سه گروه طبقه‌بندی شدند. بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، از نظر میزان هزینه‌کرد وام کشاورزی در بخش کشاورزی، حداقل بین دو گروه، تفاوت معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود داشت. طبق نتایج آزمون توکی، وام‌های ۴ میلیون تومانی و کمتر، در سطح معنی‌داری یک درصد، کمتر از تسهیلات بانکی ۴/۱ تا ۸ میلیون تومانی و بالای ۸ میلیون تومانی، در امر کشاورزی مصرف گردیده‌اند. به همین ترتیب، تسهیلات بانکی ۴/۱ تا ۸ میلیون تومانی در سطح معنی‌داری یک درصد، بیش از وام‌های بالای ۸ میلیون تومان دچار

جدول ۶- نتایج آزمون توکی مقایسه کشاورزان بر اساس نحوه استفاده از وام کشاورزی بین گروه‌های مختلف نظارت بعد از اعطای وام توسط کارشناسان بانک

F	گروه اول	میانگین	گروه دوم	میانگین	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
۵/۵۷**	اصلاً	۱/۹۲	یک دفعه نظارت	۱/۹۲	-۱/۰۰	۱/۴۳	۰/۷۶۴
	یک دفعه نظارت	۲/۹۲	یک تا ۷ دفعه نظارت	۵/۵۹	-۳/۶۷**	۱/۱۰	۰/۰۰۴
		۲/۹۲	یک تا ۷ دفعه نظارت	۵/۵۹	-۲/۶۷	۱/۶۵	۰/۲۴۵

* معنی‌داری در سطح پنج درصد

** معنی‌داری در سطح یک درصد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۷- نتایج آزمون توکی مقایسه کشاورزان بر اساس نحوه استفاده از وام کشاورزی بین گروه‌های مختلف مبلغ وام

F	گروه اول	میانگین	گروه دوم	میانگین	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
	۴ میلیون تومان و کمتر	۱/۲۲	۴ تا ۸ میلیون تومان	۳/۶۴	-۲/۴۱	۰/۹۸	۰/۰۴۱
۲۹/۷۷**	۴/۱ تا ۸ میلیون تومان	۳/۶۴	بالای ۸ میلیون تومان	۱۰/۸۸	-۹/۶۶**	۱/۲۶	۰/۰۰۰
					-۷/۲۴	۱/۴۰	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق ** معنی داری در سطح یک درصد * معنی داری در سطح پنج درصد

گردیده‌اند. بنابراین اعطای وام کشاورزی در شرایط موجود ناتوان از تشکیل سرمایه تولیدی مورد نیاز فعالیت‌های کشاورزی بوده است که این امر معمولاً به دلیل هدایت وام‌های مذکور به امور مصرفی و...، پیامدهای ناخواسته‌ای همچون افزایش نقدینگی، تورم و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری را می‌تواند در برداشته باشد که مشاهدات عینی محقق نیز مؤید این موضوع بود. به طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی است که وام‌های اعطا شده دچار مشکلات عدیده‌ای هستند. بررسی ویژگی‌های کشاورزان نشان داد که مساحت هر قطعه زمین کشاورزان، ۱/۳۵ هکتار بوده و مساحت هر قطعه زمین زیر کشت ۹۰/۹ درصد از کشاورزان، ۲ هکتار و کمتر بوده است که نشان‌دهنده خردی شدید اراضی و فراهم نبودن زمینه لازم برای به‌کارگیری سرمایه است. همچنین ساختار سنی کشاورزان از سالخوردگی نسبی رنج می‌برد و سطح تحصیلات افرادی که وام گرفته بودند، پایین بود. با توجه به سالخوردگی نسبی افرادی که اقدام به اخذ وام کشاورزی نموده بودند، پیشنهاد می‌شود با اعمال سیاست‌های تشویقی و جذب جوانان روستایی نسبت به کشاورزی، از طریق علمی‌تر نمودن و جذابیت بخشی به آن، ساختار سنی به نفع جوانان تغییر داده شود.

در بخش دیگری از پژوهش به منظور ارایه تحلیل‌های تکمیلی و جامع، گروه‌های مختلف کشاورزان از نظر سطح تحصیلات، با توجه به میزان وام کشاورزی اخذ شده با یکدیگر مقایسه شدند. طبق یافته‌های جدول ذیل، بین گروه‌های مختلف کشاورزان از نظر سطح تحصیلات، در ارتباط با حجم وام کشاورزی اخذ شده تفاوت معنی‌دار در سطح یک درصد وجود داشته است. آزمون توکی بیانگر آن است که کشاورزان دارای تحصیلات دانشگاهی به طور معنی‌دار و در سطح یک درصد، مبالغ وام بیشتری نسبت به دو گروه دیگر اخذ نموده‌اند (جدول ۹)، که دلیل این امر، ممکن است آشنایی بهتر آنان با قوانین و حقوق خود و نیز ریسک‌پذیری بیشترشان نسبت به کشاورزان با تحصیلات پایین‌تر باشد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج مطالعه نشان داد، تنها ۳۷/۸ درصد از کشاورزان مورد مطالعه، وام دریافتی را به طور کامل در مسیر کشاورزی هدایت کرده‌اند و ۱۸/۴ درصد از آنان کاملاً دچار انحراف گردیده و مابقی وام‌ها نیز تا حدودی در این زمینه دچار انحراف

جدول ۸- نتایج آزمون توکی مقایسه کشاورزان بر اساس نحوه استفاده از وام کشاورزی بین گروه‌های کشاورزان از نظر سطح تحصیلات

F	گروه اول	میانگین	گروه دوم	میانگین	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
	بیسواد تا ابتدایی	۳/۰۵	راهنمایی تا متوسطه	۳/۶۷	-۰/۶۲	۰/۹۸	۰/۸۱
۳/۲۹*	راهنمایی تا متوسطه	۳/۶۷	دانشگاهی	۸/۱۱	-۵/۰۵*	۱/۹۷	۰/۰۳
					-۴/۴۴	۱/۹۹	۰/۰۷

** معنی داری در سطح یک درصد * معنی داری در سطح پنج درصد

جدول ۹- نتایج آزمون توکی مقایسه کشاورزان بر اساس میزان وام کشاورزی اخذ شده، بین گروه‌های کشاورزان از نظر سطح تحصیلات

F	گروه اول	میانگین	گروه دوم	میانگین	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
	بیسواد تا ابتدایی	۳/۵۵	راهنمایی تا متوسطه	۴/۵۷	-۱/۰۲	۱/۰۵۳	۰/۸۱
۸/۱۳**	راهنمایی تا متوسطه	۴/۵۷	دانشگاهی	۱۱/۳۲	-۷/۷۷**	۱/۹۳	۰/۰۰۰
					-۶/۷۳**	۱/۹۴	۰/۰۰۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق ** معنی داری در سطح یک درصد * معنی داری در سطح پنج درصد

تولیدی خود را با استفاده از وام سرمایه‌ای دارد یا خیر؟ البته این توصیه به مفهوم غفلت از کشاورزان خرده‌پا (که اغلب بهره‌برداران کشور را تشکیل می‌دهند) نیست. بلکه در راستای گسترش عدالت و فقرزدایی، باید توجه ویژه‌ای نسبت به آنها در رابطه با اعطای اعتبارات کشاورزی شود. البته اعطای این اعتبارات در صورتی می‌تواند موفق باشد که فضای مناسبی برای استفاده بهره‌ور از آنها ایجاد شود که به نوبه خود در گرو عواملی همچون ارائه مؤثر آموزش‌های مرتبط با وام کشاورزی، فراهم نمودن خدمات و نهاده‌های مورد نیاز برای وام‌گیرندگان، بهبود سوددهی فعالیت‌های تولیدی و ... است.

از سوی دیگر، همان‌طور که نتایج نشان داد، نظارت‌های پس از اعطای وام کشاورزی، بر هدایت وام‌های کشاورزی به مسیر تولید، تأثیر مثبتی داشتند. ولی با وجود این، طبق نتایج آمار توصیفی، میزان نظارت بر وام‌های ارائه شده در سطح بسیار پایینی قرار داشت. بنابراین به منظور جلوگیری از خروج سرمایه از بخش کشاورزی پیشنهاد می‌گردد تا کارشناسان بانک، پس از اعطای وام، نظارت‌های دقیق‌تر، واقعی‌تر و بیشتری بر نحوه استفاده از تسهیلات مذکور اعمال نمایند. مسلماً نمی‌توان صرفاً با افزایش نظارت و وضع ساز و کارهای ارزیابی دقیق، مانع از وقوع مخاطرات اخلاقی گردید. بلکه ایجاد بستر و فضای مطمئن برای افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با هدف جلوگیری از خروج تسهیلات بانکی از فعالیت‌های کشاورزی ضروری است. به گونه‌ای که فرد با علاقه و انگیزه شغلی اقدام به تخصیص اعتبارات به امر تولید نماید. یکی دیگر از راه‌حل‌های کاهش انحراف وام‌ها، توسعه بیمه محصولات کشاورزی و بهبود عملکرد و کوتاه نمودن فرآیند بوروکراسی آن است، چرا که انحراف وام افرادی که از بیمه کشاورزی استفاده نموده بودند به طور معنی‌داری کمتر از کشاورزانی بود که تحت پوشش بیمه قرار نداشتند.

سیاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از همه کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان خوی، کشاورزان عزیزی که در جمع‌آوری اطلاعات همکاری صمیمانه‌ای را مبدول داشتند و دهبیاران پرتلاش این شهرستان تشکر و قدردانی نمایند.

چرا که ساختار سنی سالخورده منجر به محافظه‌کاری، ریسک‌گریزی، پذیرش کم و دشوار نوآوری‌ها و در نهایت عدم استفاده زیربنایی و پربازده، از وام‌های کشاورزی شود. از سوی دیگر، نظر به اینکه با کاهش سطح تحصیلات، میزان مخاطرات اخلاقی استفاده از وام نیز افزایش یافته و کشاورزان دارای تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با کشاورزان دیگر، به طور معنی‌داری، سهم بیشتری از وام دریافتی را به کشاورزی اختصاص داده‌اند، لذا مسؤولین و کارشناسان باید به سطح تحصیلات به عنوان امتیاز مثبت نگریسته و از آن به عنوان یکی از ملاک‌های ارزیابی صلاحیت‌های متقاضیان وام استفاده نمایند. همچنین از آنجایی که سطح تحصیلات پایین کشاورزان دریافت‌کننده، بسیار نامطلوب بوده است، پیشنهاد می‌شود در این زمینه اهتمام خاصی نسبت به پررنگ نمودن حضور دانش‌آموختگان کشاورزی در اخذ وام و راه‌اندازی واحدهای تولیدی پیشرفته، مبدول شود.

در رابطه با نوع وام‌های اعطایی، وام‌های کشاورزی به سمت تأمین هزینه‌های جاری (۶۲/۵ درصد) سوگیری داشتند. از آنجایی که این وام‌ها قابلیت جابجایی بالاتری داشته و بیشتر در معرض ابتلا به مخاطرات اخلاقی هستند و نیز نظر به اینکه اصولاً نقشی در افزایش قابل توجه ظرفیت تولید ندارند، بنابراین می‌توان گفت نوع وام‌های اعطایی مناسب نبوده است و پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه مخاطرات اخلاقی استفاده از وام کشاورزی، در وام‌های کشاورزی جاری بیش از وام‌های کشاورزی سرمایه‌ای و در وام‌های غیر زیربنایی و نقدی بیش از وام‌های زیربنایی و جنسی روی داده است، و با عنایت به کاهش مخاطرات با افزایش حجم وام، به طور کلی پیشنهاد می‌گردد که سهم وام‌های سرمایه‌ای و وام‌های زیربنایی و جنسی از کل وام‌های کشاورزی، با رعایت صلاحیت متقاضیان، افزایش یابد. البته ارائه وام‌های جنسی باید با کیفیت لازم و هزینه معقول تأمین گردند تا از کارآیی لازم برخوردار شوند. همچنین با عنایت به خردی قطعات زمین، پیشنهاد می‌شود وام‌های زراعی یا باغی سرمایه‌ای با مبالغ زیاد، صرفاً به کشاورزانی اعطا شود که زمینه لازم برای استفاده مؤثر از آنها و توسعه ظرفیت‌های خود را دارند. به عبارت دیگر، یکی از مهمترین مواردی که در بررسی صلاحیت متقاضیان این نوع وام‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که آیا فرد امکان توسعه ظرفیت

منابع

- ۱- اخلاص پور ر. ۱۳۷۶. بررسی عوامل مؤثر بر دسترسی به اعتبارات رسمی و نحوه اثرگذاری آن در تولید کشاورزی؛ مطالعه موردی استان کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۲- از کیا م. ۱۳۸۴. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. انتشارات اطلاعات، تهران.
- ۳- افراشته ح. ۱۳۸۲. سیاست اعتباری در بخش کشاورزی. مجموعه مقالات همایش تأمین مالی کشاورزی؛ تجربه‌ها و درس‌ها. پژوهشکده اقتصاد

دانشگاه تربیت مدرس.

- ۴- باقری م.، و نجفی ب. ۱۳۸۲. بررسی عوامل مؤثر بر عدم بازپرداخت اعتبارات بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش تأمین مالی کشاورزی؛ تجربه‌ها و درس‌ها. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- جوانمردی ک. ۱۳۸۴. لزوم و اهمیت تشکیل گروه‌های خودیار مالی روستایی در گسترش اعتبارات خرد (تجربه بانک کشاورزی). مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی. مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
- ۶- رشیدی د. و منصوری ب. ۱۳۸۴. خدمات مالی روستایی خرد، گامی اساسی برای فقرزدایی (ارائه طرح پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا). مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی. مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
- ۷- زیبایی م. ۱۳۸۲. تعیین بازده سرمایه‌گذاری در زمینه نصب سیستم‌های آبیاری تحت فشار در استان فارس. مجموعه مقالات همایش تأمین مالی کشاورزی، تجربه‌ها و درس‌ها. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸- صدر ک. ۱۳۸۲. اندازه‌گیری اثر اعتبارات بر ارزش افزوده بخش کشاورزی. مجموعه مقالات همایش تأمین مالی کشاورزی؛ تجربه‌ها و درس‌ها. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- ۹- عمید ج. ۱۹۹۰. کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران. ترجمه سیدرامین امینی‌نژاد. ۱۳۸۱. نشر نی. تهران.
- ۱۰- کریم‌کشته م.، و همکاران. ۱۳۸۳. بررسی وضعیت توزیع اعتبارات کشاورزی و ویژگی‌های دریافت‌کنندگان اعتبارات در استان سیستان و بلوچستان. بانک و کشاورزی. شماره ۶ دوره جدید.
- 11- Angelini A. 2007. Italian Banks' Credit Approach Towards Low- Income Consumers and Microenterprises: Is There a Bias Against Some Segments of Customers? Part 3, chapter 8, 299-321 pages, of: *New Frontiers in Banking Services: Emerging Needs and Tailored Products for Untapped Markets*. Edited by Luisa Anderloni, Maria Debra Braga, Emanuele Maria Carluccio. Springer Berlin Heidelberg. DOI:10.1007/978-3-540-46498-3
- 12- Hermes N., Lensink R., and T. Mehrteab H. 2004. Peer Monitoring, Social Ties and Moral Hazard in Group Lending Programs: Evidence from Eritrea. *World Development*, 33, (1) 149-169. doi:10.1016/j.worlddev.2004.09.001
- 13- Jacob Y. 1992. Rural finance in developing countries. Policy Research Working Paper Series: No 875, the World Bank.
- 14- Khandker S. R. and R. Faruquee R. 2003. The impact of farm credit in Pakistan. *Agricultural Economics*, 28, 197-213.
- 15- Perdana A.A. 2005. Risk Management for the Poor and Vulnerable. Economics Working Paper Series. Centre for Strategic and International Studies, Jakarta. <http://www.csis.or.id/papers/wpe093>.
- 16- Swinnen J.F.M., R. Gow H. 1999. Agricultural credit problems and policies during; the transition to a market economy in Central and Eastern Europe. *Food Policy*, 24, 21-47.